

راهبردهای مهارت گوش دادن در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم*

زهرا فرخ^۱

کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی دانشگاه پیام نور قم، قم، ایران

حسن سلیمانی^۲

دانشیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

چکیده

مهارت گوش دادن یکی از مهارت‌های اساسی در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم است که نقش بنیادی در توانش ارتباطی زبان‌آموزان دارد؛ در صورتی که زبان‌آموز مهارت کافی در این مهارت داشته باشد، می‌تواند از زبان گفتاری خود به خوبی استفاده و مقصود مورد نظر را به خوبی بیان کند و در برقراری ارتباط موفق می‌شود. همچنین با تقویت مهارت گوش دادن، مهارت‌های دیگر هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند. هدف مقاله حاضر بررسی ادبیات مربوط و استخراج مفاهیم و نظریه‌های موجود در این زمینه و بیان راهبردهای عملی ارتقای و سرانجام ارائه پیشنهاداتی جهت بهبودی مهارت گوش دادن در فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان بوده است. به این منظور، با روش توصیفی، متغیرهای مورد نظر بررسی و تجزیه و تحلیل شد. مواد و داده‌های مورد بررسی، کتاب‌های معتبر و مقالات متعدد چاپ شده در مجلات معتبر در حیطه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان را در بر می‌گرفت. به طور خاص، دسته‌بندی‌هایی که آکسفورد، روین، اوملو و شمو در راهبردها ارائه نموده‌اند، در بررسی‌های داده‌ها و مواد مورد بررسی در این مقاله استفاده شده است. به علاوه، با ذکر نمونه‌هایی به بررسی مهم‌ترین راهبردهای یادگیری (شناختی، فراشناختی و عاطفی - اجتماعی) پرداختیم که استفاده از این راهبردها در یادگیری زبان دوم تأثیر بسزایی دارد و فرآیند یادگیری را در مهارت گوش دادن تسهیل می‌کند. با استفاده از روش بررسی اسناد و مدارک، نتایج بررسی نشان داد که به کارگیری راهبردهای یادگیری به عنوان مجموعه عملیاتی که زبان‌آموز از آن‌ها جهت یادگیری زبان بهره می‌برد، فرآیند یادگیری را آسان، سریع و لذت بخش تر می‌نماید. آگاهی از این راهبردها و تمرین برای استفاده از آن‌ها باعث افزایش توانمندی و گسترش ظرفیت یادگیری در زبان-آموز می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، مهارت‌های زبانی، مهارت گوش دادن، راهبردهای یادگیری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

¹ Email: z.farrokhi1355@gmail.com

(نویسنده مسئول)

² Email: h_soleimanis@pnu.ac.ir



Strategies of Listening Skills in Teaching Persian as a Second Language *

Zahra Farrokh¹

Master's degree in Persian Language Education, Payam Noor Qom University, Qom, Iran

Hasan Soleimani²

Associate Professor of English Language Education, Tehran Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Listening skill is one of the basic skills in teaching Persian language as a second language. Listening skill is a basic skill and plays a fundamental role in learning Persian language and communication ability of language learners. It is considered that if the learner has sufficient mastery of this skill, s/he can use his/her spoken language well and express his/her intended purpose in a good way and be successful in communicating. It also seems that by strengthening listening skills, other skills are also affected. By strengthening listening skills, other skills are also affected. Therefore, it is important to learn the strategies of listening skills through simple techniques. The purpose of this article is to review the relevant literature and extract the concepts and theories in this field, and to express practical strategies for the improvement of this skill and finally to provide suggestions to improve the listening skills of Persian learners. For this purpose, using the descriptive method, the desired variables were examined and analyzed. The materials and data included authentic books and numerous articles published in authentic magazines in the field of Persian language teaching to non-Persian speakers. In particular, the categories presented by Oxford, Rubin, O'Malley and Chamot were used in the data and materials reviewed in this article. In addition, by citing examples, we examined the most important learning strategies (cognitive, meta-cognitive and emotional-social ones) that the use of these strategies has a significant effect on learning a second language and facilitates the learning process in listening skills. By using the document analysis method, the results of the study showed that the use of learning strategies as a set of operations that the language learner uses to learn the language makes the learning process easy, fast and enjoyable. Knowledge of these strategies and practice to use them increases the ability and expands the learning capacity of the language learner. Learning strategies means a set of operations that a language learner uses to learn a language and the learning process becomes easier, faster and more enjoyable. Knowledge of these strategies and practice to use them increases the ability and expands the learning capacity of the language learner. This article aims to provide a strategic model of listening skills in teaching Farsi to non-Persian speakers using a descriptive method, and after stating the importance of Farsi language education, we review the categories suggested by Oxford, Robin, O'Malley, and Chamot. Also, by citing examples, we examined the most important learning strategies (cognitive, metacognitive and emotional-social) the use of which has a significant effect on learning a second language and facilitates the learning process in listening skills.

Key words: Teaching the Persian language; Language skills; Listening skill, Learning strategies.

* Received: 2022/07/13 | Accepted: 2022/09/12

¹ Email: z.farrokh1355@gmail.com (Corresponding author)

² Email: h_soleimanis@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

زبان فارسی یکی از میراث‌های مهم فرهنگی و ادبیاتی ایران است و در ارتباط با هویت و فرهنگ مردم ایران نقش بسیار مهمی دارد. از این رو، نگهداری، پاسداری و توسعه زبان فارسی به عنوان زبان مادری و رسمی کشور ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. زبان فارسی در منظومه فکری مقام معظم رهبری از جایگاه بسیار مهم و ویژه‌ای برخوردار است و طبق بیاناتی که در دیدار با جمعی از نخبگان کشور داشتند، باید زبان فارسی توسعه پیدا کند. ایشان در این سخنرانی به این مطلب مهم اشاره کردند که پیشرفت ما به گونه‌ای باید باشد تا پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی دنیا دست پیدا کند، مجبور باشد فارسی یاد بگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۸۱). دغدغه‌ای که رهبر انقلاب در این زمینه دارند، اهمیت موضوع را می‌رساند که باید به بهترین نحو این مهم به سرانجام برسد و زبان فارسی گسترش پیدا کند که یکی از راه‌های گسترش این زبان و ترویج فرهنگ اسلامی-ایرانی، آموزش زبان فارسی است. آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان سابقه طولانی دارد و حداقل دو قرن پیش در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، از شبه قاره هند و چین گرفته تا اروپا و آمریکا، رایج بوده است. فارسی آموزان، با اهداف مختلفی زبان فارسی را یاد می‌گیرند. بعضی از زبان‌آموزان، در رشته‌های ایران‌شناسی و شرق‌شناسی در خارج از ایران، زبان را برای شناخت بیشتر می‌آموزند، بعضی چون شیفته ادبیات فارسی هستند، به زبان‌آموزی روی می‌آورند، بعضی با اهداف تجاری یا سیاسی یا مذهبی به ویژه فراگیری فقه شیعه، فارسی را یاد می‌گیرند. بعضی دیگر با اهداف سیاحتی و گردشگری و آشنایی با تاریخ ایران زبان فارسی را یاد می‌گیرند. باید به این نکته توجه شود که آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، یک حرفه است و نگاه حرفه‌ای اولین گام موفقیت محسوب می‌شود. اگر بخواهیم آموزش اثر کافی را داشته باشد، مدرس باید علاوه بر تسلط به زبان با روش و فنون تدریس هم آشنایی داشته باشد. مدرس موفق در امر آموزش کسی است که بتواند اصول و فنون را به خوبی و به درستی به کار برد و دانش و آموخته‌های علمی را به فن و مهارت تبدیل کند و توانایی استفاده از راهبردهای یادگیری را در امر آموزش داشته باشد و از این طریق آموزش زبان فارسی را برای زبان‌آموزان خود لذت‌بخش و خاطره‌

انگیز کند (صحرائی، ۱۳۹۹: ۹). زبان فارسی که در این جا به عنوان زبان دوم تعبیر شده است، زبانی است که زبان مادری زبان آموز نیست و از آن به عنوان ابزار اصلی ارتباط و آموزش در محیط زندگی بهره می‌برد (زندى، ۱۳۸۳: ۷). اگر زبان آموز در بین گویشوران زبان فارسی، در خارج از کلاس و در اجتماع با آن‌ها ارتباط داشته باشد، زبان فارسی را به عنوان زبان دوم بهتر یاد می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۱).

یکی از مهمترین اصطلاحاتی که در بحث آموزش زبان دوم به کار می‌رود، مهارت‌های زبانی است که به دو صورت گفتاری (صحبت کردن و گوش دادن) و نوشتاری (خواندن و نوشتن) در امر ارتباط و دریافت پیام به کار گرفته می‌شود. مهارت‌های زبانی که شامل مهارت گوش دادن، مهارت صحبت کردن، مهارت خواندن و مهارت نوشتن می‌شود در بحث آموزش زبان بسیار اهمیت دارند که تقویت و توجه کافی به این چهار مهارت لازم و ضروری می‌باشد (زندى، ۱۳۷۸: ۱۰۳). از هدف‌های عمده آموزش زبان فارسی، آموزش مهارت گوش دادن است که نخستین و اساسی‌ترین مهارت زبانی محسوب می‌شود (همان، ۱۳۸۳: ۵۴). طبق بررسی‌های صورت گرفته در ارتباطات زبانی، به طور متوسط ۴۵ درصد از زمان ارتباط صرف گوش دادن، ۳۰ درصد صرف صحبت کردن، ۱۶ درصد صرف خواندن و ۹ درصد صرف نوشتن می‌شود (هارجی، ۱۳۷۷: ۲۱۶). با توجه به اهمیت این مهارت، زبان آموز هم باید به ساخت‌های درونی مسلط باشد، هم از اصول کاربردشناختی زبان دانش کافی داشته باشد تا بتواند در توانش زبانی و ارتباطی موفق عمل کند (زندى، ۱۳۸۳: ۵۴). زبان‌شناسان معمولاً بین شنیدن و گوش دادن تمایز قائل می‌شوند. شنیدن امری طبیعی، فیزیولوژیکی و غیرارادی است که به صورت خودکار انجام می‌شود و نیاز به یادگیری ندارد. در شنیدن فقط احساس اولیه آواهای زبانی و صداهاى غیرزبانی است. در حالی که گوش دادن امری آگاهانه و مهارتی آموختنی، ارادی و ذهنی است که مستلزم احساس، تفسیر، ارزیابی، ذخیره‌سازی و پاسخ دادن به پیام‌های شفاهی است (ناعمی، ۱۳۸۵: ۸۹). گوش دادن را چنین تعریف کرده‌اند: گوش دادن عبارت است از فرایند شنیدن و انتخاب، جذب و سازماندهی، به خاطر سپردن و دادن پاسخ‌های مشخص به محرک‌های شنیداری و غیرکلامی. با توجه به تعاریف درمی‌یابیم که شنیدن آموختنی نیست،

ولی گوش دادن امری اکتسابی است و باید آموزش داده شود و مهارتی است که خود دارای خرده مهارت‌های قابل یادگیری است و دارای چهار مرحله متوالی می‌باشد: شنیدن، دقت و تمرکز مداوم حواس، دریافت و ادراک اولیه پیام، تعبیر و پردازش پیام (زندى، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۲). گوش دادن به عوامل بیرونی و فردی مثل صدای رسای گوینده، لهجه گوینده، محتوای مطلب، سرعت و سر و صدای محیط بستگی دارد. همچنین عوامل درونی مثل سلامت ذهنی و جسمی شنونده، اطلاعات و تجربیات قبلی او و بینش و نگرش شنونده نسبت به گوینده، در آن دخیل هستند. با توجه به تفاوتی که بین شنیدن و گوش دادن وجود دارد، آن مهارتی که در آموزش زبان فارسی مدنظر ماست، مهارت گوش دادن است نه شنیدن. استاد زبان فارسی باید زمینه لازم را برای تحقق این مهارت در کلاس درس برای زبان آموز ایجاد کند و با صدای رسا تدریس کند، سعی کند از لهجه فارسی معیار استفاده کند و هنگام صحبت کردن در سرعت ادای جمله‌ها تعادل داشته باشد؛ نه زیاد کند و یکنواخت و بی‌روح صحبت کند و نه زیاد سریع؛ بلکه باید شمرده و واضح مطالب درسی را بیان کند و هنگام تدریس نگاهش را به طور مساوی به همه زبان آموزان تقسیم کند. شنونده ممکن است هنگام گوش دادن رفتارهای مختلفی از خود نشان دهد، ممکن است گوش دادن شنونده حاشیه‌ای (منفی) باشد یعنی در کنار یک کار دیگر، که اهمیت بیشتری برای شنونده دارد، مطلبی را گوش دهد؛ مانند مواقعی که هم‌زمان با مطالعه روزنامه به رادیو گوش می‌کند که در این نوع گوش دادن، شنونده هر از گاهی توجه خود را به مطلب گوینده معطوف می‌کند، قسمتی از مطالب او را به طور انتخابی و با دقت بیشتری گوش می‌دهد (زندى، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۵) یا ممکن است با دقت به مطالب شنونده گوش بدهد تا درک و اطلاعات خود را بالا ببرد. گاهی شنونده به منظور لذت بردن، گوش می‌دهد و با توجه به علاقه‌ای که دارد برای امنیت خاطر، درک و فهم هیجانی، رهایی و آرامش به این نوع گوش دادن روی می‌آورد و گاهی گوش دادن او تحلیلی (انتقادی) و به منظور ارزشیابی است که شنونده به قضاوت و داوری در مورد پیام گوینده می‌پردازد (ناعمی، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۱). بنابراین گوش دادن انواع مختلفی دارد که به کنش شنونده برمی‌گردد و در امر آموزش باید گوش دادن از روی دقت، علاقه و به صورت تحلیلی باشد تا شنونده بتواند پیام استاد را دریافت، درک، تجزیه

و تحلیل کند. علاوه بر این موارد شنونده باید یکسری توانمندی‌های شنیداری را داشته باشد تا بتواند در مهارت گوش دادن ارتقا پیدا کند؛ از جمله: توانایی و توجه کافی به سخنان گوینده، توانایی در درک و تمیز آواهای زبان، توانایی در درک جمله یا جمله‌های زبانی، توانایی و درک معنای فرازبانی یا منظور گوینده و توانایی در انجام کنش زبانی یا کنش غیرزبانی (زندى، ۱۳۷۸: ۲۴۹-۲۴۶). افزون بر توانایی مهارت شنیداری، آگاهی از راهبردهای یادگیری و استفاده آنها در فعالیت‌های آموزشی نقش بسیار مؤثری دارد که هم مدرس، هم خود زبان‌آموز در این راهبردها تاثیر می‌گذارند. مدرس راهبردها باید متفکر و متخصص در محتوا باشد و با در نظر گرفتن دانش پیشین زبان‌آموز و نیازهایش، به اهداف برنامه آموزشی، الزامات تکالیف پیشنهادی و استفاده مؤثر از راهبردهای یادگیری مناسب، توجه کند. او باید با توجه به سختی تکالیفی که زبان‌آموز می‌خواهد انجام دهد، راهبردهای لازم را مشخص کند و از استفاده مؤثر آن مطمئن شود. مدرس راهبردها به عنوان تصمیم‌گیرنده در مورد محتوا و چارچوب ارائه شده، برای رسیدن زبان‌آموز به هدفش باید تصمیم‌گیری کند و در جهت تحریک انگیزه، فعالیت‌هایی را به زبان‌آموز پیشنهاد کند که بتواند به طور مثبت روی باورها و احساساتی که از توانش و خودکارآمدی-اش دارد، تأثیر بگذارد و به او بفهماند هدفش کمک به یادگیری آنها و کسب شناخت‌ها و توانش ارتباطی آنهاست. یک مدرس راهبرد باید خودش یک الگو باشد و زبان‌آموزان از او به عنوان الگویی توانمند تبعیت کنند، با علاقه تمام از او الهام بگیرند و حتی تقلید کنند تا عملکردش را مدل‌سازی کنند. مدرس راهبردی باید مثل یک مربی، زبان‌آموز را به چشم کارآموز ببیند و او را به سمت هدفش هدایت کند و در موقعیت‌هایی قرار دهد تا تکالیفش را به صورت کامل انجام دهد. بنابراین تکالیف و فعالیت‌های کلاسی به صورت فرامدرسه‌ای معنادار، طراحی می‌شود و بین این فعالیت‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس، ارتباط برقرار می‌کند تا دانش‌های کسب شده برای او به سرعت قابل استفاده باشد. خود زبان‌آموز هم در امر آموزش و یادگیری زبان دوم مسئولیت‌های مهمی دارد و باید در آموزش، یادگیری و انجام تکالیف مشارکت و پشت‌کار داشته باشد و به کمک مدرس، راهبردهای یادگیری، دانش‌های تکنیکی و مهارت‌های یادگرفتن را کسب کند. زبان‌آموز باید یک شناختی از خودش داشته باشد و بداند که عواملی از قبیل: سن،

توانایی، انگیزه، عوامل مربوط به شخصیت، سبک‌های شناختی، روش‌های یادگیری، عوامل اجتماعی و فرهنگی در یادگیری زبان دخیل هستند. چون مسأله شناخت‌ها، باورها و حالت‌های زبان آموز اهمیت ویژه‌ای دارد و از تأثیر آن بر روی فرآیند یادگیری نمی‌توان صرف نظر کرد؛ لذا باید از ویژگی‌های یک زبان آموز خوب آگاهی داشته باشد، راهبردها و رفتارهای خودش را با راهبردها و رفتارهای یک زبان آموز خوب بسنجد و در صورت لزوم، زمینه را برای تغییرات ممکن آماده سازد (سیر، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۱۴).

با توجه به اهمیت مهارت گوش دادن، در این پژوهش به راهبردهای یادگیری و ضرورت استفاده از آن در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان اشاره شده است و پاسخگوی این سؤال است که راهبردها چه تأثیری در تسهیل آموزش دارند؟ چه راهبردهایی مفید هستند؟ آیا آموزش این راهبردها امکان پذیر است؟

۲. پیشینه تحقیق

امروزه پژوهش‌های فراوانی در زمینه آموزش و یادگیری زبان دوم صورت گرفته است؛ از جمله پژوهش رضا مراد صحرایی و خالقی زاده (۱۳۹۱) که راهبردهای یادگیری مهارت‌ها را به طور کلی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش به نکته مهمی اشاره می‌کند که با کشف راهبردهای یادگیری در زبان آموزان می‌توان کتاب‌های آموزش زبان فارسی را بر پایه معرفی راهبردهای موثر در یادگیری مهارت چهارگانه زبانی (خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن) تهیه و تألیف کرد. همچنین در روند آموزش زبان فارسی، تلفیق شیوه‌های آموزش با راهبردهای مورد نیاز زبان آموزان و پرداختن به این راهبردها در برنامه آموزشی، تأثیر بسزایی در افزایش انگیزه در زبان آموزان و بازدهی زیادی در یادگیری و آموزش دارد.

بختیار کرمی و همکارانش (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی این مسأله پرداخته‌اند که انگیزه پیشرفت و خودپنداره تحصیلی از متغیرهای کلیدی در نظام‌های آموزشی هستند که زمینه رشد و ارتقای شناخت، نگرش و مهارت‌های دانش آموزان را فراهم می‌آورند؛ بنابراین اجرای برنامه‌ای که زمینه شکوفایی این متغیرها را فراهم آورد از اهمیت خاصی برخوردار

است. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که انگیزه پیشرفت به عنوان یک زمینه نسبتاً ثابت در افراد، از جمله مهمترین انگیزه‌ها یا نیازهای اکتسابی در هر فرد است که به مسأله اساسی در زمینه یادگیری اشاره کردند. علاوه بر این یافته‌ها حاکی از این بود که آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی در بالابردن خلاقیت، انگیزه پیشرفت و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

اکبرپور (۱۳۹۷) یکی از چالش‌های موجود در مسیر آموزش زبان دوم را ناشی از ضعف شنیداری زبان‌آموزان می‌داند که این ضعف بر دیگر مهارت‌ها اثر می‌گذارد و زبان‌آموز در برقراری ارتباط موفق نمی‌شود و انگیزه‌اش را از دست می‌دهد؛ لذا مدرس زبان دوم با اجرای درست آزمایشگاه زبان و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین آزمایشگاه و انتخاب فیلم‌های آموزشی متناسب و استانداردهای ذکر شده می‌تواند در رفع مشکلات شنیداری نقش بسزایی را ایفا کند. در پژوهشی دیگر ابراهیمی و طالعی (۱۳۹۵) به این موضوع اشاره داشتند که فیلم و نمایش دادن آن برای زبان‌آموزان یکی از ابزارهای مؤثر در آموزش زبان دوم می‌باشد که هدف‌های اصلی نمایش فیلم را شکسته شدن قفل شنیداری زبان‌آموز (درست و سریع شنیدن) و تلفظ درست و کاربرد حرفه‌ای واژگان و جمله‌ها (خوب گفتن) به شمار آوردند و هدف‌های فرعی این امر به تثبیت آموخته‌های پیشین، آشنایی با زبان گفتار، آشنایی با اصطلاحات و واژه‌های جدید، آموزش محتوا، انتقال فرهنگ و آموزه‌های اخلاقی، ایجاد انگیزه برای یادگیری درس جدید، بالابردن قدرت ضبط و نوشتار و خودآزمایی پیشرفته اشاره می‌کنند. این نوشتار در راستای «راهبردهای مهارت گوش دادن در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم» به بررسی و تحقیق پرداخته و با توجه به اهمیت مهارت گوش دادن در آموزش زبان دوم به راهبردهای یادگیری و ضرورت استفاده از آن در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان اشاره کرده است.

۳. راهبردهای یادگیری

واژه «راهبرد»، ترجمه کلمه انگلیسی Strategy است. راهبرد، طرحی منسجم، جامع و یک‌پارچه است برای حرکت در کوتاه‌ترین راه به سوی هدف که از منابع و امکانات بهترین

بهره‌برداری را کرده است. راهبرد، راه و روش رسیدن به اهداف بلندمدت است. از دلایل اصلی نیاز به راهبرد در آموزش، اختلاف عمل کردها و برنامه‌ها، وجود محیط‌های مختلف و سلیقه‌های متفاوت در آموزش است (غفاریان، ۱۳۸۰: ۴۷). راهبردهای یادگیری در آموزش، به رفتارها و پردازش‌های ذهنی گفته می‌شود که زبان‌آموز برای یادگیری آسان و سریع از آن‌ها استفاده می‌کند. این راهبردها به خودی خود بد یا خوب نیستند، بلکه باید با فعالیت‌های مربوط به یادگیری زبان دوم هماهنگ باشند و با سبک یادگیری زبان‌آموز هم‌ساز باشند. زبان‌آموز باید از راهبرد یادگیری به نحو احسن بهره‌برد و آن را با دیگر راهبردهای یادگیری مربوط، ارتباط دهد تا یادگیری را آسان، لذت‌بخش و مؤثر بسازد. با توجه به اینکه زبان‌آموزان از به کارگیری راهبردهای یادگیری غافل هستند، مدرس باید این آگاهی را در زبان‌آموز به وجود آورد و به آن‌ها آموزش دهد تا تعداد زیادی از راهبردهای یادگیری مناسب را استفاده کنند (ضیائی، ۱۳۸۵: ۲۹).

در حوزه فراگیری زبان دوم، راهبرد را به ترتیب، رفتارها، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها، برنامه‌ها، عملیات ذهنی آگاهانه، ناآگاهانه یا بالقوه آگاهانه، مهارت‌های شناختی یا کارکردی و همچنین به عنوان تاکتیک‌های قابل مشاهده حل مسأله، نزد فردی که در موقعیت یادگیری قرار دارد، تعریف کرده‌اند. در آموزش زبان دوم، معمولاً ترکیب راهبردهای یادگیری به معنای مجموعه عملیاتی است که زبان‌آموز به منظور یادگیری، درونی کردن و استفاده مجدد زبان مقصد از آن استفاده می‌کند. توجه به راهبردهای یادگیری زبان دوم زمانی به وجود آمد که دست‌اندرکاران زبان دوم دچار نوعی دلسردی از روش‌های قدیمی شدند و به دنبال روش جدید آموزش به ویژه شیوه ارتباطی بودند (سیر، ۱۳۹۷: ۱۵-۶).

برای ارتقای مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی، یادگیری راهبردهای آموزشی باید در طراحی برنامه‌ریزی آموزشی گنجانده شود. همچنین مدرس زبان دوم باید با راهبردهای یادگیری آشنا باشد، اطلاعات خود را در این زمینه افزایش دهد و راهبردها را مورد مطالعه قرار بدهد تا نحوه به کارگیری آن را در عمل بداند. راهبردها برای یک مدرس زبان مانند یک برنامه با نقشه کلی است که از مجموعه‌ای عملیات تشکیل شده است که راه را به استاد نشان

می‌دهد تا به زبان‌آموزان کمک کند تا مطالبی که به آن‌ها آموزش داده می‌شود بهتر یاد بگیرند و دیرتر فراموش کنند.

۴. دسته‌بندی راهبردهای یادگیری

دسته‌بندی‌های دقیق و کامل‌تری که امروزه در این زمینه ارائه شده است، دسته‌بندی آکسفورد، روین و اوملو و شمو می‌باشد که به طور مختصر به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۴. دسته‌بندی آکسفورد

آکسفورد قصد دارد مسأله راهبردهای یادگیری را نزد مدرسان زبان دوم رواج دهد. از نظر آکسفورد راهبردها، روندهایی هستند که زبان‌آموزان برای بهبود بخشیدن یادگیری‌شان به کار می‌برند. ایشان ابتدا راهبردها را به دو دسته بزرگ راهبرد مستقیم و راهبرد غیرمستقیم تقسیم می‌کند؛ راهبرد مستقیم، با دستکاری زبان مقصد و فرایندهای ذهنی سر و کار دارد و راهبردهای غیرمستقیم، یادگیری را با چارچوب‌بندی، محصور یا حمایت می‌کند. بعدها آکسفورد دسته‌بندی خود را کامل کرد. راهبردهای مستقیم را به راهبردهای مربوط به حافظه، شناختی و جبرانی و راهبردهای غیرمستقیم را به راهبردهای فراشناختی، عاطفی و اجتماعی تقسیم کرد که هر کدام از این مجموعه‌ها شامل چندین زیرمجموعه می‌شود. البته این راهبردها به دو علت چندان موفق نبود: ۱. طبق نظریه یادگیری پایه‌ریزی نشده بودند. ۲. همچنین راهبردهای مهم قابل تشخیص نبودند. البته ناگفته نماند که هدف او ارائه یک مدل نظری غیر قابل نقد از نقش راهبردها در یادگیری زبان دوم نبوده، بلکه او می‌خواست توجه مدرسان را به اهمیت راهبردهای یادگیری زیاد کند تا راهبردها را بشناسند و از هم تشخیص دهند. با توجه به استقبالی که از کتاب راهنمای آکسفورد شد به هدفش رسید و نقش او در گسترش آگاهی نسبت به راهبردهای یادگیری در حوزه آموزش زبان دوم بسیار حائز اهمیت است (همان: ۳۷ - ۳۱).

۲.۴. دسته‌بندی روین

با توجه به تعریفی که در این دسته‌بندی از راهبردها صورت گرفت، زبان‌آموز مجموعه‌ای از عملیات را انجام می‌دهد تا زبان مقصد را بفهمد، آن را در حافظه بلند خود ذخیره کند و

در وقت مناسب از آن‌ها استفاده کند. روین یک دسته بندی از راهبردهای یادگیری زبان دوم ارائه کرد که سه مرحله اساسی در شکل‌گیری دانش را در بردارد. البته در دسته‌بندی که ایشان داشتند تفاوت مهمی که بین راهبردهای شناختی، فراشناختی و اجتماعی - عاطفی وجود دارد، را لحاظ نمی‌کند. روین سه مرحله برای راهبردهای یادگیری زبان دوم مطرح می‌کند؛ مرحله اول، فرآیند درک کردن با دریافت داده‌ها که شامل راهبردهای روشن سازی و بررسی، راهبردهای حدس زدن یا استنباط، راهبردهای استدلال استنتاجی و راهبرد استفاده از منابع می‌شود. مرحله دوم، فرایند ذخیره‌سازی و به حافظه سپاری که با طبقه‌بندی، استفاده از کلمات کلیدی، استفاده از ابزارهای آموزشی، تمرکز کردن، استفاده از تصاویر و تولید زبانی انجام می‌شود. مرحله سوم، فرایند بازیابی اطلاعات و استفاده مجدد که با راهبرد عملی، راهبرد خودسازمانی، راهبردهای اجتماعی غیرمستقیم صورت می‌گیرد (همان: ۳۷-۳۹).

۳.۴. دسته بندی اواملی و شمو

دسته‌بندی اواملو و شمو از برخی جهات نسبت به مدل‌های قبلی، قوی‌تر است. با توجه به تحقیقاتی که اواملی و همکارانش در این زمینه انجام دادند، این نظریه را مطرح کردند که راهبردهای یادگیری زبان دوم در سه مجموعه می‌تواند گردآوری شود: فراشناختی، شناختی و اجتماعی - عاطفی (همان: ۴۱-۳۹).

با توجه به این سه دسته‌بندی راهبردهای یادگیری زبان دوم، در ادامه با تکیه بر دسته - بندی آخر (اواملی و شمو)، به معرفی راهبردهای یادگیری زبان دوم پرداخته می‌شود.

۵. انواع راهبردهای یادگیری

راهبردهای یادگیری، فرایند یادگیری را برای زبان آموز آسان‌تر می‌کند و باعث می‌شود چیزهایی را که یاد گرفته به صورت کاربردی مورد استفاده قرار دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده مؤثر از راهکارها چیزی نیست که زبان آموزان خودشان به دست بیاورند. مدرس می‌تواند راهبردها را آموزش دهد. تدریس و تمرین راهبردها به زبان آموزان کمک می‌کند تا در نحوه استفاده خود از راهبردها آگاهانه‌تر عمل کنند. آموزش راهبردها زبان آموزان را قادر

می‌سازد که به بهترین نحو با متون شنیداری درگیر شوند و در موقعیت‌های شنیداری گوناگون از آن‌ها بهره ببرند تا به شنوندگان موفق‌تری تبدیل شوند. منظور از تدریس راهبردها بدین معناست که مدرس چگونگی استفاده از راهبردها و تمرین‌های متنوعی را برای انواع راهبردها به زبان‌آموزان ارائه دهد (ریچاردز، ۱۹۴۳: ۴۳). از مهم‌ترین راهبردها می‌توان به راهبردهای شناختی، ارتباطی، زبانی و اجتماعی - عاطفی اشاره کرد.

۱.۵. راهبردهای شناختی

راهبردهای شناختی، راهبردهایی هستند که به زبان‌آموز کمک می‌کند تا اطلاعات تازه را برای ترکیب با اطلاعات و تجارب قبلی و ذخیره‌سازی آن‌ها در حافظه بلند مدت آماده کند. این راهبردها به زبان‌آموز این توانایی را می‌دهد تا با استفاده از آن مستقیماً با مطالب آموزشی زبان دوم درگیر شوند (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۰). این گونه راهبردها، روش‌های برخورد با محتوای تمرین یا فعالیت‌های شنیداری هستند که زبان‌آموزان به ماهیت و محتوای یک متن برخورد می‌کنند؛ مثلاً اگر یک متن طولانی باشد یا متن‌واژه‌ای طولانی داشته باشد، زبان‌آموزان برای مقابله با چنین مشکلاتی، راهبردهای شناختی را به کار می‌برند (ریچاردز، ۱۳۹۶: ۴۰). راهبردهای شناختی اغلب ملموس‌تر و آسان‌تر مشاهده می‌شوند و در مرکز کنش یادگیری قرار دارند (ستر، ۱۳۹۷: ۴۸). با استفاد از راهبردهای شناختی، مدرس می‌تواند یادگیری زبان فارسی را بهبود بخشیده و استفاده از آن را برای زبان‌آموز تسهیل کند.

راهبردهای شناختی عبارتند از:

۱. طبقه‌بندی یا دسته‌بندی کردن: با این راهبرد، مدرس می‌تواند یادگیری زبان‌آموزان را تقویت کند و به آن‌ها کمک کند تا پیوسته یاد بگیرند. اگر زبان‌آموزان یاد بگیرند که هر چیزی را در طبقه خود قرار دهند، با کمترین زحمت، بیشترین برداشت را خواهند داشت. به عنوان مثال اگر مدرس بخواهد صفت جوانمرد را یاد بدهد، کافی است با پخش یک فیلم که درباره گذشت و جوانمردی است، این صفت را به زبان‌آموزان نشان دهد و بعد با توجه به موضوع فیلم صفات خوب و بد را برای زبان‌آموزان دسته‌بندی کند و صفت جوانمرد را در دسته خوب قرار دهد. زبان‌آموزان با این طبقه‌بندی به یادگیری خود عمق می‌بخشند (صحرائی، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

۲. استنتاج کردن: استنتاج، یعنی زبان آموز الگوها و قاعده مندی را از داخل مثال‌ها کشف کند. خیلی اوقات، تعدادی مثال به زبان آموز می‌دهیم و آن‌ها به راحتی می‌توانند قاعده را به دست بیاورند. اگر به آن‌ها کشف کردن را یاد بدهیم، یادگیری‌شان عمیق می‌شود. اگر ما یک فعل را به صورت حال ساده صرف کنیم و چند فعل دیگر هم تمرین کنیم و در فایل صوتی که مربوط به همین موضوع است، از زبان آموز بخواهیم که فعل ساده را تشخیص دهد به راحتی می‌تواند قاعده و فرمول حال ساده را کشف کند و با راهبرد استنتاج آشنا شوند. استنتاج کردن می‌تواند در آموزش دستور زبان بسیار مفید باشد (همان: ۲۰۲).

۳. یادداشت برداری: یادداشت کردن کلمات جدید، مفاهیم، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها در یک دفتر هنگام گوش دادن فایل صوتی و تصویری باعث می‌شود زبان آموز در هنگام انجام تکالیف یادگیری یا در کنش ارتباطی از این یادداشت‌ها استفاده کند (سیر، ۱۳۹۷: ۵۰). مدرس باید به زبان آموز کمک کند تا یادداشت‌برداری را یاد بگیرد، اگر زبان آموزان یاد بگیرند که خوب یادداشت کنند، خیلی خوب یاد می‌گیرند که مطالب را به خاطر بسپارند. مدرس می‌تواند از زبان آموزان بخواهد یادداشت‌های خود را با هم مقایسه کنند. با این کار مشخص می‌شود آن‌ها در کشف نکات کلیدی و مهم مشترک نیستند و از این طریق می‌توان آن‌ها را هدایت کرد که با یکدیگر گفتگو کنند و بگویند که چرا یک نکته از نظر آنها مهم است و از نظر دیگری مهم نیست. زبان آموزان با یاد گرفتن این تکنیک، کمترین زحمت را می‌کشند و بهترین نتیجه را می‌گیرند (صحرايي، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

۴. نگاهت مفهومی: در این راهبرد مدرس برای اینکه یک موضوع را تدریس کند، ایده اصلی را در قالب یک نقشه وازگانی نشان می‌دهد. به عنوان مثال مدرس پس از پخش فیلم مربوط به ورزش و سلامتی، ورزش را به ورزش‌های فردی و گروهی تقسیم می‌کند، ورزش‌های فردی را به ورزش‌هایی مثل شنا، کشتی، ژیمناستیک و تیراندازی و... ورزش‌های گروهی را به فوتبال، والیبال، بسکتبال و... تقسیم می‌کند. این یک تصویر کامل از ایده ورزش است. درباره هر موضوعی مدرس می‌تواند چنین نگاهت مفهومی را طراحی و ترسیم کند. اگر زبان‌آموزان این راهبرد را خوب یاد بگیرند، حتی می‌توانند موضوع یک سخنرانی را ترسیم کنند.

با این روش یادگیری زبان آموز عالی می‌شود و مطالب در ذهنش تثبیت می‌شود (صحرائی، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

۵. استنباط کردن: استنباط یعنی استفاده کردن از عناصر شناخته شده در یک گفتگو شنیداری به منظور درک عناصر جدید و ناشناخته. در استنباط، زبان آموز از شم و حس ششم استفاده می‌کند و هوشمندانه حدس می‌زند. این راهبرد برای یادگیری زبان دوم اهمیت دارد. در این راهبرد زبان آموز ابهام را تحمل می‌کند و از استنباط برای رسیدن به استدلال استفاده می‌کند (سیر، ۱۳۹۷: ۵۱). زبان آموز در استنباط از آنچه که می‌داند برای یادگیری مطالب جدید استفاده می‌کند و با استفاده از دانش قبلی به درک مطلب جدید می‌رسد. به عنوان مثال مدرس گفتگویی دو نفره بین آقا و خانم را پخش می‌کند و سؤالاتی را از زبان آموزان می‌پرسد که در متن اصلاً نبوده؛ برای مثال خانم پیر بوده یا جوان؟ که زبان آموز از نحوه صحبت کردن تشخیص می‌دهد که آن خانم پیر بوده یا جوان. بنابراین استنباط کردن یعنی از آنچه که می‌دانیم برای آنچه که نمی‌دانیم استفاده می‌کنیم (صحرائی، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

۶. خلاصه کردن: یعنی خلاصه کردن ذهنی یا نوشتاری از یک قاعده یا از اطلاعات ارائه شده در یک تکلیف. این راهبرد تکنیکی است که مدرس زبان باید به زبان آموز یاد بدهد و از زبان آموز خواسته شود که بعد از گوش دادن واژه‌هایی را استخراج کند، بعد واژه‌های کلیدی را به جملات کلیدی تبدیل کند و در آخر از آن‌ها بخواهد که جملات کلیدی را به یک متن خلاصه تبدیل کنند (صحرائی، ۱۳۹۹: ۲۱۰).

۲.۵. راهبردهای فراشناختی

یکی از ابعاد مهم یادگیری زبان، تفکر در مورد فرآیندهایی است که هنگام یادگیری استفاده می‌شود. تفکر در مورد نحوه یادگیری را فراشناخت می‌گویند. راهبردهای فراشناختی، راهبردهایی هستند که لازمه آن تفکر درباره فرآیند گوش دادن می‌باشد (ریچاردز، ۱۳۹۶: ۴۰). این راهبردها به زبان آموز کمک می‌کند با فکر کردن به ماهیت و کاربرد راهبردها و یافتن شیوه مناسب برای محتوای شنیداری، مهارت شنیدن خود را گسترش و تقویت کند. راهبردهای فراشناختی شامل این موارد می‌شود: تفکر در مورد فرآیند یادگیری، درک شرایطی که

یادگیری را بهبود می‌بخشد، برنامه‌ریزی برای فعالیت‌ها در جهت پیشبرد یادگیری، خود ارزشیابی و تصحیح خودم‌محور. این راهبردها در آموزش زبان دوم اهمیت بسیار زیادی دارد. زبان‌آموزانی که فاقد این راهبرد باشند، غالباً بی‌هدف هستند و در انتخاب مسیر یادگیری مهارت کافی را کسب نکرده‌اند. این راهبرد بین زبان‌آموزانی که مشکل یادگیری دارند با زبان‌آموزانی که در امر یادگیری بدون مشکل هستند، باعث تفاوت می‌شوند. در ادامه به نمونه‌هایی از راهبردهای فراشناختی یادگیری زبان دوم اشاره می‌شود (سیر، ۱۳۹۷: ۴۷):

(۱) برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی: اگر مدرس، زبان‌آموز را به سمت مشخص کردن هدف‌های آموزشی یا سطح توانش‌های مورد نظرش رهنمون سازد، استفاده از این راهبرد را امکان‌پذیر کرده است. همچنین اگر اهداف دوره آموزشی و تکالیف کلاسی به روشنی برای زبان‌آموز مشخص باشد، روحیه تعهد و مشارکت زبان‌آموزان فعال می‌شود. با ممارست و تمرین این احتمال وجود دارد که زبان‌آموز بتواند علت طرح فعالیت‌هایی که به او پیشنهاد شده است را بیابد. زمانی که مدرس از زبان‌آموز بخواهد که محتوا و شیوه اجرای تبادل زبانی را برای شبیه‌سازی یک موقعیت ارتباطی به صورت شنیداری یا گفتاری آماده کند، در اصل از این نوع راهبرد استفاده کرده است (همان: ۴۴).

(۲) توجه کردن: زبان‌آموز به اطلاعات زبان ورودی توجه می‌کند که به یادگیری او کمک می‌کند؛ مثل حفظ کردن که در فرایند تمرین آن را انجام می‌دهد. توجه کردن به دو شکل است: توجه هدایت شده و توجه گزینشی. توجه هدایت شده، همان تمرکز کردن است و زمانی به کار می‌رود که زبان‌آموز از قبل تصمیم می‌گیرد، به صورت کلی به تمرین‌های یادگیری توجه کند و از هر چیزی که حواس او را پرت می‌کند، دوری کند. توجه گزینشی مربوط به تمرکز روی جنبه‌های خاصی از تمرین است. مثلاً وقتی مدرس از زبان‌آموز می‌خواهد که ساعت، قیمت یا شماره تلفن‌های گفته شده در یک مکالمه را یادداشت کند. به همین ترتیب وقتی که قبل از انجام یک تمرین شنیداری، سؤالات درک مطلب از پیش به زبان‌آموز

داده می‌شود، در اصل میزان توجه زبان‌آموزان را افزایش داده است. این راهبرد برای زبان‌آموزان دوره مقدماتی که در مراحل اول یادگیری هستند دارای اهمیت بالایی است (سیر، ۱۳۹۷: ۴۵).

(۳) مدیریت خودمحمور: به این معناست که زبان‌آموز به صورت فعال در جستجوی فرصت‌هایی برای به کار بردن زبان مقصد است و دواطلبانه خودش را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتواند زبان را به کار ببرد. در این راهبرد زبان‌آموز زمان و فعالیت‌ها را طوری مدیریت می‌کند که بتواند حداکثر یادگیری را کسب کند. مدرسان زبان معتقدند زبان‌آموزانی که خودشان را درگیر این راهبرد می‌کنند و فعالیت‌های خارج از کلاس هم در همین راستا می‌باشد، پیشرفت چشم‌گیری می‌کنند. مثال بهتر این مورد، ضبط کردن یک برنامه و گوش دادن مجدد به آن به منظور بررسی درک شفاهی است. این رفتار زبان‌آموز ثابت می‌کند به کاری که انجام داده، آگاهی دارد و توانش در زبان دوم را درک می‌کند. ناگفته نماند که زبان‌آموزان از این موضوع اطلاع ندارند که چنین تمرین‌هایی به یادگیری‌شان کمک می‌کند. بنابراین عجیب نیست که این راهبردها بیشتر در زبان‌آموزان سطوح بالاتر و درسخوان‌ها مشاهده می‌شود (همان: ۴۶).

(۴) بررسی و خودارزیابی: زبان‌آموز در این راهبرد به بررسی و تصحیح عملکرد خود در طول یک تکلیف یادگیری یا در زمان کنش ارتباطی می‌پردازد. (همان: ۴۷). زبان‌آموز در این راهبرد بعد از تکمیل فعالیت شنیداری، در مورد موفقیت و عدم موفقیت قضاوت می‌کند و اهداف و روش‌هایش را مورد بازبینی و سنجش قرار می‌دهد. در ارزیابی از خود سؤال می‌کند آیا تمرین را به خوبی انجام دادم؟ چه چیزی باعث شد که بخشی از متن شنیداری را متوجه نشوم؟ (ریچاردز، ۱۹۴۳: ۴۰).

(۵) تشخیص مسأله: در تشخیص مسائل زبان فارسی، مدرس زبان فارسی می‌تواند از راهبردهای حل مسأله مانند تجزیه و تحلیل مسأله به قسمت‌های کوچک‌تر، استفاده از الگوهای مشابه از قبل آموخته شده استفاده کند. این راهبردها می‌تواند در

شناسایی و حل مشکلات زبانی کمک کند. مدرس در این راهبردها، نکته اصلی و جنبه خاصی از تکلیف زبانی، را مشخص می کند و راه حل مناسب را پیدا می کند. به عبارت دیگر، هدف از انجام تشخیص مسأله این است که زبان آموزان موفق که عادت به یادگیری دارند خیلی سریع به هدف و نتیجه انجام یک تمرین پی می برند؛ ولی باید برای زبان آموزانی که در سطح پایین تری هستند، توضیحات کاملی ارائه شود تا بتوانند به تشخیص و راه حل مسأله برسند (سیر، ۱۳۹۷: ۴۷).

(۶) خودارزشیابی: در این راهبرد زبان آموز نتیجه عملکرد زبانی و یادگیری خود را ارزشیابی می کند و می تواند توانایی های عمومی خودش را از جمله درک مطلب، تولید مطلب، سطح توانش ارتباطی و... ارزیابی کند. پژوهش ها نشان داده است که معمولاً زبان آموزان سطح زبانی خود را بالاتر یا پایین تر از آنچه هست ارزشیابی می کنند. با وجود این به ندرت اتفاق می افتد که در یک کلاس زبان از زبان آموزان خواسته شود که خود را ارزشیابی کنند (سیر، ۱۳۹۷: ۴۷).

۳.۵. راهبردهای اجتماعی - عاطفی

این نوع از راهبردها شامل تعامل متقابل با مخاطب بومی یا هم کلاسی جهت بهبود یادگیری زبان مقصد و همچنین برای کنترل و اداره بُعد عاطفی شخصی که به همراه یادگیری است (سیر، ۱۳۹۷: ۵۶). زبان آموز با استفاده از این راهبرد با دیگران ارتباط برقرار می کند و با نکته های فرهنگی - اجتماعی گویشوران زبان دوم آشنایی بیشتری پیدا می کند (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۲). این راهبردها عبارتند از:

(۱) روشن سازی و تأیید: زبان آموز از استاد درخواست تکرار دارد و برای روشن شدن مطلب پیچیده، توضیح بیشتر را درخواست می کند. مدرسان همیشه از پاسخ دادن به این نوع درخواست ها خوشحال می شوند و زبان آموزانی که از این طریق یادگیریشان را غنی می کنند، به عنوان زبان آموزان خوب می شناسند (سیر، ۱۳۹۷: ۵۷).

(۲) همکاری و مشارکت جویی: اساساً زبان یک وسیله ارتباطی است. بنابراین، زبان-آموزان باید یاد بگیرند که با هم مشارکت داشته باشند. مدرس زبان دوم می‌تواند از طریق رویکرد ارتباطی و طراحی فعالیت‌های گروهی زبان‌آموزان را به کارگروهی دعوت کند تا بتوانند یک هدف یادگیری مشترک را به سرانجام برسانند (سیر، ۱۳۹۷: ۵۷). شاید بعضی از زبان‌آموزان توانایی شرکت در کارگروهی را نداشته باشند و نتوانند در کار کلاسی مشارکت کنند اما مدرس باید به آن‌ها یاد بدهد که چگونه در کارگروهی فعالیت کنند. به عنوان مثال می‌تواند یک گفتگویی را پخش کند و از زبان‌آموزان بخواهد آن را گوش کنند و به سؤالاتش پاسخ بدهند، یا فایل صوتی را گوش کنند و یادداشت‌برداری کنند. با توجه به این راهبرد کلاسی که کارگروهی انجام می‌شود، زبان‌آموزان آن فعال‌تر خواهند بود (صحرائی، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

(۳) مدیریت احساسات یا کاهش اضطراب: فراگیری زبان دوم هیچ‌گاه نسبت به عوامل احساسی بی‌توجه نبوده است. آگاهی از بُعد احساسی که پیرامون یادگیری زبان دوم وجود دارد، صحبت کردن با خود به منظور کم کردن استرس حاکی از انجام دادن یک تکلیف یا یک کنش ارتباطی، استفاده از تکنیک‌های متنوع که به اعتماد به نفس کمک می‌کند، همچنین تشویق کردن خود، تمجید کردن، یادداشت دادن به خود، از اشتباه نترسیدن در انجام تکالیف و ایجاد انگیزه نقش مهمی دارد. پس زبان‌آموز باید بتواند احساسات خود را در این زمینه کنترل کند تا به یادگیری او آسیب وارد نشود (سیر، ۱۳۹۷: ۵۸).

۶. نمونه‌هایی از تکالیف برای تقویت مهارت گوش دادن

در آخر به نمونه‌های عملی و تجربی اشاره می‌شود که مدرسان زبان دوم با توجه به این موارد می‌توانند مهارت گوش دادن را در زبان‌آموزان تقویت کنند. همچنین زبان‌آموزان هم با تمرکز و دقت بیشتری به فایل‌های صوتی گوش می‌دهند و مهارت لازم را در این زمینه کسب می‌کنند.

- (۱) بشنوید و جدول را کامل کنید: زبان آموزان قبل از اینکه فایل صوتی را گوش دهند، ابتدا یک بار سؤال‌ها را می‌بینند تا توجه و تمرکزشان حین گوش دادن بیشتر شود. بعد با شنیدن صوت تلاش می‌کنند پاسخ پرسش را با توجه به نوع تکلیف (چهارگزینه‌ای، وصل کردن، پاسخ کوتاه و...) بنویسند، تیک بزنند یا انتخاب کنند (سعیدنیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۵).
- (۲) فیلم را صداگذاری کنید: در تکالیف صداگذاری، ابتدا قسمتی از فیلم یکبار پخش می‌شود و زبان آموزان گوش می‌کنند. برای بار دوم فیلم با صدای کم یا بدون صدا پخش می‌شود و در مرحله آخر زبان آموزان به جای بازیگران صحبت می‌کنند (همان: ۷۷).
- (۳) کامل کنید: زبان آموزان به فایلی گوش می‌دهند. متن‌هایی به صورت جای خالی به آن‌ها داده می‌شود که با توجه به فایلی که گوش کردند و بافت، اطلاعات را تکمیل کنند (همان: ۷۸).
- (۴) بشنوید و جمله بعدی را حدس بزنید: فایل صوتی برای زبان آموز پخش می‌شود و گفت‌وگو از جایی قطع می‌شود و زبان آموزان باید حدس بزنند جمله بعدی که بیان می‌شود چیست؟ یا می‌تواند از بین گزینه‌هایی که مشخص شده یکی را انتخاب کند و بعد فایل صوتی پخش می‌شود تا زبان آموز متوجه شود مطلب را درست حدس زده یا نه؟ (همان: ۷۸).
- (۵) ببینید، بشنوید و پاسخ دهید: فایل تصویری برای زبان آموز پخش می‌شود و بعد سؤالاتی درباره تصویر می‌شنوند و به صورت شفاهی پاسخ می‌دهند. (همان: ۷۹).
- (۶) بشنوید و علت را بگوئید: فایل‌های صوتی برای زبان آموز پخش می‌شود و زبان آموزان به این فایل‌ها گوش می‌دهند و باید با شنیدن هر فایل صوتی علت اتفاقات درون فایل را بیان کنند (همان: ۸۰).
- (۷) ببینید، بشنوید، مرتب کنید: تعدادی تصویر که مراحل انجام یک کار را نشان می‌دهد مانند یک داستان تصویری در اختیار زبان آموز گذاشته می‌شود. زبان آموز

- ابتدا با استفاده از حدسیات خود و پیش‌بینی روند داستان، این تصاویر بهم ریخته را مرتب می‌کند؛ سپس آن را با فایل صوتی که می‌شنوند تطبیق می‌دهند و از این طریق نتیجه کار خود را ارزیابی می‌کنند (همان: ۸۰).
- ۸) نظر شخصی خود را بیان کنید: یک فایل صوتی درباره موضوع مشخص برای زبان‌آموز پخش می‌شود و زبان‌آموزان نظرات شخصی خودشان را که یا مخالف است یا موافق یا هر دو بیان می‌کنند (همان: ۸۱).
- ۹) تصویر مناسب را مشخص کنید: تعدادی فایل صوتی مثلاً چهار یا پنج فایل برای زبان‌آموزان پخش می‌شود و تصاویر متناسب با فایل‌های صوتی در اختیار زبان‌آموز قرار داده می‌شود و از او خواسته می‌شود که بگوید که هر کدام از تصاویر مربوط به کدام فایل صوتی است (همان: ۸۲).
- ۱۰) پاسخ کامل بدهید: بعد از گوش دادن به فایل صوتی، مدرس سؤالاتی را درباره متن صوتی روی تابلو می‌نویسد، زبان‌آموزان بار دوم فایل صوتی را گوش می‌دهند و شروع به پاسخ‌گویی می‌کنند (همان: ۸۳).
- ۱۱) دور قسمت متفاوت خط بکش: مدرس با توجه به سطح زبان‌آموزان تصاویری را به کلاس می‌آورد و بین زبان‌آموزان پخش می‌کند. فایل صوتی پخش می‌شود. قسمت‌هایی از تصویر با فایل صوتی فرق دارد، زبان‌آموزان برای بار دوم صوت را گوش می‌دهند و به تصاویر نگاه می‌کنند و دور قسمت‌های مختلف خط می‌کشند (همان: ۸۵).
- ۱۲) به خاطر بسپارید: در این نمونه یک فایل صوتی مرتبط با موضوع درس یا خارج از درس متناسب با سطح زبان‌آموز در کلاس پخش می‌شود. بعد از زبان‌آموزان خواسته می‌شود تمرکز کنند و هر آنچه را که فهمیده‌اند به خاطر بسپارند و بازگو کنند (همان: ۸۶).

نتیجه‌گیری

در خصوص آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم، توانش ارتباطی از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای محقق شدن این امر باید مهارت گوش دادن زبان‌آموز از طریق راهبردهای یادگیری تقویت شود. در راستای این تحقق مدرس و خود زبان‌آموز در آموزش و یادگیری راهبردها تأثیر دارند؛ به عبارتی مدرس زبان فارسی باید راهبردها را در کلاس‌های شنیداری مورد توجه قرار دهد و زبان‌آموزان هم این راهبردها را یاد بگیرند. از آن‌جا که مهارت گوش دادن نقش اساسی در آموزش زبان دوم دارد، اگر زبان‌آموزان راهبردهای یادگیری مهارت شنیدن را به طرز صحیح به کار ببرند، توانایی شنیداری آن‌ها تقویت می‌شود و در این مهارت پیشرفت خواهند کرد تا به شنوندگان مستقل تبدیل شوند و برای شنیدن در دنیای واقعی با مشکل مواجه نشوند.

تعارض منافع: طبق گفته نویسنده‌گان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، مجتبی و طالعی، محمدحسین. (۱۳۹۵). «آموزش زبان به کمک فیلم». دوفصلنامه تخصصی آموزش زبان فارسی. سال دوم. شماره ۳. صص: ۱۲۳-۱۰۵.
- کاترین ولا، جین. (۱۳۹۶). شنیدن، درآمدی بر تدریس استفاده از قدرت گفت و شنود در آموزش بزرگسالان. ترجمه فاطمه زهرا احمدی و ابراهیم طلائی. تهران: دانشگاه فرهنگیان.
- ریچاردز و دیگران. (۱۳۹۶). رهنمودهایی برای تدریس مهارت شنیداری با رویکرد عملی. ترجمه معصومه استاجی، رضامراد صحرائی و زینب امیری. تهران: نشر نویسه پارسی.
- زندی، بهمن. (۱۳۸۳). اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- سعیدنیا، محمد و دیگران. (۱۴۰۰). کتاب جامع تکلیف و تمرین در آموزش زبان فارسی. قم: نشر المصطفی.
- سیر، پل. (۱۳۹۷). راهبردهای یادگیری. ترجمه اکبر عبداللهی و سیده یاسمین سجادی. تهران: سمت.

- صحرايي، رضا مراد و خالقي زاده، شراره. (۱۳۹۱). «راهبردهای یادگیری زبان دوم: در جستجوی نمایه‌ای برای زبان فارسی». نشریه روان‌شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی). دوره ۸، شماره ۲۶. صص: ۳۴-۱.
- کرمی، بختیار؛ کرمی، آزادالله و هاشمی، نظام. (۱۳۹۲). «اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی بر خلاقیت، انگیزه پیشرفت و خودپنداره تحصیلی». نشریه علمی دانشگاه آزاد اسلامی. دوره ۲. شماره ۴. صص: ۱۴۰-۱۲۱.
- مهرآوران، محمود؛ اکبرپور، محمدجواد و طالعی، محمدحسین. (۱۳۹۷). «تقویت مهارت شنیدار بر پایه فیلم». نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی. تهران. <https://civilica.com/doc/902179>
- ناعمی، علی محمد. (۱۳۸۵). روان‌شناسی آموزش مهارت‌های ارتباطی و زبان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- هارجی، اون و دیگران. (۱۳۸۲). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. تهران: انتشارات رشد.